گزارش «جوان» از سه دهه مظلومیت یادمان فدائیان اسلام در دشت ذوالفقاریه

۳۰۰ شهید و یک پرچم!

پویان شریعت

راهیان‌نور ۹۳ است. در روز چهارم عید زائر یادمانی می‌شویم که نه تابلویی دارد و نه حتی یک پرچم. اما این منطقه بیش از چندین ماه محور و به قول بچه‌های جنگ، پیشانی خط ما در برابر متجاوزان بعثی بوده است. یادمان ۳۰۰ شهید و ۵۰۰ مجروح گروه شهید سیدمجتبی هاشمی به نام فدائیان اسلام. متن زیر گزارشی کوتاه از بازدید خبرنگار «جوان» از منطقه بدون یادمان فدائیان اسلام در کیلومتر ۹ جاده قفاص است که خواندنش خالی از لطف نیست.

طبق روال هر ساله در ایام عید به عنوان خبرنگار حوزه دفاع‌مقدس راهی استان خوزستان می‌شویم تا اخبار و گزارش‌های مربوط به بزرگ‌ترین عملیات فرهنگی در سطح کشور و حوزه دفاع‌مقدس را تهیه و ارسال کنیم. در خرمشهر در حال حرکت به سوی موزه جنگ خرمشهر هستیم که تماسی از سوی سردار صادقی گرفته می‌شود. بعد از صحبت‌های اولیه آدرس یادمانی را به ما می‌دهد که هر چه در نقشه‌های مربوط به یادمان‌های راهیان‌نور دنبال آن می‌گردیم، آن را پیدا نمی‌کنیم؛ یادمان شهدای فدائیان اسلام. به هر حال قرار می‌شود به همراه یکی از دوستان به زیارت این یادمان برویم. از خرمشهر به سمت آبادان حرکت می‌کنیم. بعد از میدان فرودگاه آبادان، میدانی است که تابلویی در کنار آن نصب شده و روی تابلو نوشته شده است «به سمت اردوگاه میثاق». بعد از گذشت از اردوگاه میثاق وارد جاده‌ای می‌شویم که طبق اعلام عقربه‌های ساعتم بعد از طی ۱۵ دقیقه به میدانی می‌رسیم. به این میدان شلوغ «سه راهی ایستگاه ۷» می‌گویند. چند تابلو در این سه‌راهی نظرمان را به خود جلب می‌کند، ماهشهر، اهواز. درست متوجه می‌شویم این جا سه‌راهی ایستگاه هفت است. همان سه راهی معروفی است که زمان جنگ از آبادان به سوی ماهشهر اهواز محل تردد مردم جنگ‌زده و رزمندگان بود.

برایم خیلی عجیب است بعد از ۱۳ الی ۱۴ سالی که به خوزستان و مناطق عملیاتی و مهم‌تر از همه به خرمشهر می‌آییم چطور این یادمان را زیارت نکرده‌ام. هوای اینجا هم تعادل خود را از دست داده است. چند دقیقه آفتابی و چند دقیقه ناگهان ابری می‌شود. کیلومتر ماشین دقیقاً روی عدد ۹ می‌ایستد که راننده ماشین را از جاده به سمت چپ منحرف می‌کند. قبل از رسیدن تابلویی به چشمم خورد و نامی در ذهنم جا باز کرد «قفاص» نامی است که در طول مسیر بعد از گذشتن از سه راهی ایستگاه ۷ در جاده مشاهده کردیم. در این فکرها غرق شده‌ام که ناگهان صدای سردار قاسم صادقی مرا متوجه خود می‌کند که می‌گوید برادر اینجا دقیقاً کیلومتر ۹ جاده قفاص است. با اولین نگاه خنده‌ام می‌گیرد. به حاج‌قاسم می‌گویم، خب حاج‌آقا از صبح تا حالا می‌فرمودید می‌خواهیم امروز از یادمان شهید تندگویان دیدن کنیم، ما هم به خدمتتان می‌رسیدیم. دیگر چرا به ما فرمودید یادمان بیش از ۳۰۰ شهید گروه فدائیان اسلام، اینجا که یادمان شهید تندگویان است. در جوابم چیزی جز سکوت دوستان و آدرس‌هایی که حاج‌آقا به راننده می‌دهد نمی‌شنویم. در این بین تذکرات سردار صادقی فضای ماشین را به هم ریخته است. پشت هم می‌گوید دکل برق را مواظب باشید. از کنار دکل حرکت کنید. به هر حال گویی مقصدمان یادمان شهید تندگویان نیست. اما ماشین از کنار یادمان می‌گذرد و از کنار دکل به سمت پشت یادمان حرکت می‌کند. موضوع رفته‌رفته برایمان جالب می‌شود، انگار که یادمانی است و ما تا به امروز آن را زیارت نکرده‌ایم. اولین چیزهایی که مشاهده می‌کنیم خاکریزی به ارتفاع یک متر و نیم و پرچمی قرمز رنگ سوار بر چوبی بلند در زمین است.

غریب‌تر از غریب

بعد از عبور از دکل، اولین چیزهایی که مرا به خود مشغول می‌کند خاکریزی در حد یک متر و نیم و پرچمی قرمز بر چوبی بلند و کمی قلدر که بر موج‌های باد خوابیده و بازی می‌کند. سکوت می‌شکند. سردار صادقی ناگهان می‌گوید برادر آن پرچم محل شهادت حر انقلاب، شهید شاهرخ ضرغام است که ما بعد از ۳۳ سال در آنجا نصب کرده‌ایم. خودروی ما می‌ایستد و همگی از ماشین پیاده می‌شویم. پخش می‌شویم، اما از هم دور نمی‌شویم. بعد از خاکریز تقریباً ۵۰ متر جلوتر پرچم محل شهادت شهید ضرغام مشاهده می‌شود و بعد آب است و آب. در خصوص این آب گرفتگی می‌پرسیم که متوجه می‌شویم به علت بارش باران است. بارانی که ۳۳ سال پیش بر خط مقدم مقابله با استکبار می‌بارید. بله، اینجا خط مقدم بچه‌های رزمنده به فرماندهی سیدمجتبی هاشمی ملقب به گروه فدائیان اسلام بود. در دشت ذوالفقاریه، در شمال رودخانه بهمن‌شیر است. اما مگر می‌شود منطقه‌ای که دو سال محل خط مقدم گروه فدائیان بوده امروز هیچ نام و نشانی نداشته باشد. به هر حال بعد از اینکه همگی در کنار این پرچم جمع می‌شویم، سردار قاسم صادقی شروع به توضیح درباره منطقه می‌کند.

از محل شهادت شاهرخ بعد از اینکه دقیقاً ۱۰۰ متر در این آب‌ها حرکت کنیم به خاکریز و خط مقدم این بچه‌ها می‌رسیم. در کل مسئله‌ای در فکر من جواب ندارد و آن علت و چرایی این همه مظلومیت و مهجوریت این فرزندان رشید خمینی است. در چند ده متری یادمان شهید تندگویان محل شهادت بیش از ۳۰۰ تن و مجروحیت ۵۰۰ تن از فرزندان خمینی قرار دارد اما مسئولان حتی یک پرچم در آن نصب نکرده‌اند. سؤال اصلی اینجاست اصلاً آیا مسئولان از وجود چنین منطقه‌ای مطلع هستند؟

زیارت به سبک راهیان‌نور اما برعکس!

به صحبت‌های سردار صادقی گوش می‌دهیم و در لابه‌لای صحبت‌ها متوجه می‌شویم که خانواده‌های این شهدا و رزمندگان و جانبازان ۲۴ اسفند توسط سردار صادقی به این مناطق آورده و چهار روز در اینجا بوده‌اند. وقتی از چگونگی جمع کردن این خانواده‌ها بعد از ۳۳ سال سؤال می‌کنیم، در جواب می‌شنویم که خانواده‌ها در قالب راهیان‌نور به اینجا آمده‌اند اما با یک فرق و آن اینکه در راهیان‌نور خانواده‌ها به سراغ ثبت‌نام و شهدا می‌روند اما در این مورد ما به سراغ خانواده‌ها رفته‌ایم. سردار صادقی در این خصوص می‌گوید: بر سر قبور این شهدا رفته‌ام و تک‌تک شماره نوشتم. این خانواده‌ها کمی بعد تماس گرفتند تا توانستیم در نهایت تعداد دو اتوبوس از این خانواده‌های به این مناطق بیاوریم. با تمام این تفاسیر توانستیم بعد از گذشت ۳۳ سال پرچمی بر محل شهادت این فرزندان خمینی بنا کنیم که خود این کار زنگ هشداری به مسئولان امر است.

گلایه خانواده‌ها؛ سبد کالا نمی‌خواهیم!

یکی از مسائلی که خیلی مورد توجه ما قرار می‌گیرد دیدن فیلم‌های سفر خانواده‌های شهدای فدائیان اسلام است که با گذشت ۳۳ سال از شهادت فرزندانشان، تقاضاهای جالبی دارند. در فیلم می‌بینیم که خانواده‌های این رزمندگان می‌گویند سبد کالا و یارانه نمی‌خواهیم. حتی حاضریم خانه‌هایمان را به فروش برسانیم تا بتوانیم یادمانی برای فرزندانمان در این دشت بنا کنیم.

اما چرا تا به امروز یادمان دشت ذوالفقاریه و فدائیان اسلام اینقدر گمنام مانده است. جالب توجه می‌باشد که فرماندهی محترم سپاه پاسداران بعد از بررسی و رسیدگی این عزیزان با ساخت یادمان این رزمندگان بعد از ۳۳ سال موافقت کرده و حتی اعلام آمادگی کرده که هزینه آن را نیز متقبل شود و در کنار آن سردار کارگر نیز رسیدگی به این موضوع را در اولویت قرار داده و اعلام آمادگی برای ساخت بنای یادبودی برای این فرزندان خمینی کرده است. اما چرا باید محل شهادت و یادمان این شیربچه‌های آقا روح‌الله بیش از ۳۳ سال اینگونه در غربت و مهجوریت بماند؟

> **در چند ده متری یادمان شهید تندگویان محل شهادت بیش از ۳۰۰ تن و مجروحیت ۵۰۰ تن از فرزندان خمینی قرار دارد اما مسئولان حتی یک پرچم در آن نصب نکردند. سؤال اصلی اینجاست اصلاً آیا مسئولان از وجود چنین منطقه‌ای مطلع هستند؟**

جمعی از نیروهای فدائیان اسلام به همراه فرمانده‌شان شهید سیدمجتبی

> **یکی از مسائلی که خیلی مورد توجه ما قرار می‌گیرد دیدن فیلم‌های سفر خانواده‌های شهدای فدائیان اسلام است که با گذشت ۳۳ سال از شهادت فرزندانشان، تقاضاهای جالبی دارند. در فیلم می‌بینیم که خانواده‌های این رزمندگان می‌گویند سبد کالا و یارانه نمی‌خواهیم. حتی حاضریم خانه‌هایمان را به فروش برسانیم تا بتوانیم یادمانی برای فرزندانمان در این دشت بنا کنیم**

طراح: علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۴۲۲۱

یادمان

گذری کوتاه بر زندگی سردار شهید رضا چراغی
به مناسبت ۲۷ فروردین سالروز شهادتش

چراغ راه مجاهدان کردستان

■ **غزاله حضوری**

اولین فرمانده لشکر سپاه پاسداران که به فیض عظیم شهادت نائل گشت کسی نیست جز شهید رضا چراغی. ۲۷ فروردین سالروز شهادت رضا چراغی فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) در عملیات والفجر یک در سال ۶۲ است. به همین منظور بر آن شدیم برای یادبودی از این شهید، گذری کوتاه بر زندگی چراغ راه مجاهدان کردستان داشته باشیم.

رضایی که رزاق بود

تولد شهید رضا چراغی برمی‌گردد به سال ۱۳۳۶ در تهران. او در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. پدر نام او را عبدالرزاق گذاشته بود اما به علت خطای ثبت احوال نام او رزاق در شناسنامه ثبت می‌شود، به همین علت از آن به بعد رزاق ما رضا نام می‌گیرد و او را رضا صدا می‌زنند. شش سال بیشتر نداشت که وارد مدرسه شد. در دوران دبیرستان که با انقلاب اسلامی آقا روح‌الله تداخل پیدا کرده بود در کنار درس با مسائل مذهبی و سیاسی نیز آشنا شد و کم‌کم از فعالان مذهبی- سیاسی در دوران پهلوی محسوب شد. با اوج‌گیری انقلاب حضور رضا در صحنه‌ها جدی‌تر شد و کم‌کم در فعالیت‌های انقلابی به نقشی مؤثر تبدیل گشت.

رضا؛ چراغ کردستان

یکی از ویژگی‌های فرزندان انقلابی آقا روح‌الله بصیرت بالای آنان بوده است، اینکه هر کجا و هر زمان به آنان نیاز بوده است، سریع‌تر از هر چیزی خود را به آنجا می‌رساندند که رضا چراغی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

بعد از شروع غائله‌های خلقی به‌خصوص کردستان که بیش از همه سر و صدا کرد، فوری به همراه تعدادی از دوستان خود را به مریوان رساند و مشغول مبارزه با گروهک‌های ضدانقلاب و محارب شد. در مدتی که رضا در کردستان مشغول مبارزه بود، تجربیات ارزشمندی را درباره مسائل نظامی و نیز فرماندهی کسب کرد. یکی از شاهکارهای رضا، مسئولیت محور راه خون در عملیات محمد رسول‌الله(ص) است که این مسیر بسیار مهم و پر خطر و معروف را از تصرف و دست نیروهای ضدانقلاب خارج و پاکسازی کرد و اینگونه شهامت، تدبیر، فرماندهی و هنر رزمنده واقعی اسلام را نشان داد. رضا چراغی مدتی نیز به همراه دیگر فرماندهان سپاه در سرپل ذهاب و گیلانغرب دست به مقابله با متجاوزان بعثی زد و در این راستا چندین عملیات چریکی نیز اجرا کرد.

او همواره راضی به رضای خدا بود و چراغ راه مردم و نوری که ضدانقلاب را آب می‌کرد. رضا در زمان حضورش در کردستان مدتی مسئولیت جانشینی سپاه دزلی و مدتی دیگر به عنوان مسئول محور مریوان به خلق خدا خدمت کرد و در راه رضای او جهاد کرد.

احمد متوسلیان فرمانده‌ای که الگوی رضا بوده است

احمد متوسلیان، در زندگی جهادی رضا چراغی تنها در یک فرمانده نظامی صرف خلاصه نمی‌شود. در واقع هیچ یک از سرداران سپاه آقا روح‌الله اینگونه نبودند. اما به هر حال رضا حاج‌احمد را الگوی تمام عیار خود از اخلاق تا منش نظامی می‌دانسته و علاقه شدیدی به او داشته است. وقتی آن جمع سرداران دلیر کردستان به فرماندهی احمد متوسلیان راهی جنوب شدند- به گونه‌ای که بعدها در جنگ نوبت به نوبت جاودانه شدند- رضا نیز به همراه آنان رفت و پس از تشکیل تیپ ۲۷ حضرت رسول(ص) وی نیز یکی از علمداران این تیپ و فرماندهان حاج‌احمد در تیپ ۲۷ می‌شود. از اواسط سال ۱۳۶۰ تا اواخر تیر ۱۳۶۱ فرماندهی گردان حمزه را بر عهده داشت. پس از اسارت حاج‌احمد در تیر ۶۱ در لبنان توسط الشقا و قبول فرماندهی تیپ توسط حاج‌همت، رضا در عملیات رمضان و مسلم در سرما به عنوان قائم‌مقام تیپ خدمت کرد.

از مهر ۶۱ برای مدتی معاونت سپاه ۱۱ قدر را پذیرفت و از آبان ۶۱ تا فروردین ۶۲ در والفجر مقدماتی و یک، در فکه به عنوان فرمانده لشکر انجام وظیفه کرد. وی پس از ماه‌ها مبارزه و جهاد با دشمنان اسلام سرانجام در عملیات والفجر یک در ارتفاع ۱۴۳ در حال دفع پاتک سنگین دشمن به ابدیت عشق پرواز کرد.

> **احمد متوسلیان در زندگی جهادی رضا چراغی تنها در یک فرمانده نظامی صرف خلاصه نمی‌شود. در واقع هیچ یک از سرداران سپاه آقا روح‌الله اینگونه نبودند. اما به هر حال رضا حاج‌احمد را الگوی تمام عیار خود از اخلاق تا منش نظامی می‌دانسته و علاقه شدیدی به او داشته است وقتی آن جمع سرداران دلیر کردستان به فرماندهی احمد متوسلیان راهی جنوب شدند- به گونه‌ای که بعدها در جنگ نوبت به نوبت جاودانه شدند- رضانیز به همراه آنان رفت**

شهید رضا چراغی

جدول

از راست به چپ

■ ۱- حضرت امام (ره) در کنار حضور مردم در صحنه‌های مختلف نظام به این امر مهم همیشه تأکید می‌کردند – کرم و جوانمردی ■ ۲- لباس زنان هندی – جزیره‌ای در خلیج فارس – وسعت و گشادگی ■ ۳- هزار عرب – پرنده‌ای حلال گوشت – رأس و کله – آب شرعی ■ ۴- درخت انگور – از شهرهای آذری نشین – پدرشعر نو ■ ۵- زبان فارسی قدیم – علامت مفعول – در رژه می‌بینند - خدای آسمان یونان قدیم ■ ۶- حیران و سرگشته – قافله – روستا ■ ۷- خوشه جو یا گندم – لوله تنفسی – آب تازی ■ ۸- آشکار و بارز – علت – خباز ■ ۹- علامت جمع – همنشین برهمن- آزمند ■ ۱۰- تیرپیکاندار – میگو – پایتخت بحرین ■ ۱۱- مار بزرگ و خطرناک – دوست – نوعی خودروی جمعی کوچک – فاصله میان دو کوه ■ ۱۲- ابر – از سوره‌های قرآن – پایه و اساس ■ ۱۳- صد متر مربع – اجاق گاز – از اقلیت‌های مذهبی کشورمان – خنک ■ ۱۴- پیشوا – پایتخت سریلانکا – آقا و سرور ■ ۱۵- نام گلی است – واژه‌ای فرانسوی به معنی مسدود یا معوق کردن تصویب قوانین در مجلس است که معمولاً از طرف اقلیت پارلمان برای جلوگیری از تصویب قوانین به کار گرفته می‌شود.

از بالا به پایین

■ ۱- شمشیر تیز – اثر ایوان تورگنیف ■ ۲- سوغات شیراز – شامه نواز – آزاد ■ ۳- آوند - پهناورترین کشور دنیا – نشریه معروف اسپانیا – کافی ■ ۴- قائم مقام او – پهلوانی در زورخانه – کندن زمین ■ ۵- خطاب بی‌ادبانه – سود حرام – هوس باردار ■ ۶- زادگاه رییسعلی – از همسران امام حسین (ع) – درون دهان ■ ۷- درخشان – غیر و دیگری – سال وارونه ■ ۸- محل ذوب فلزات – پیامبران – تعمیر کردن ■ ۹- هال وارونه – شهر رویایی آذربایجان – از ماه‌های میلادی ■ ۱۰- ضمیر سه کیلویی – سرباز نیروی دریایی – سرزمین کربلا ■ ۱۱- پسرش از فیلسوفان و دانشمندان نامی ایران است - لین – ماه سرد ■ ۱۲- ریخت و شکل – وکیل – فلز سرخ ■ ۱۳- از القاب فرنگی – با ناله سودا کنند – عنوان گروهی از یاران پیامبر (ص) - جانب و طرف ■ ۱۴- اندر شکمش خلق نهان است – جای پا – دریاچه‌ای نزدیک شیراز ■ ۱۵- شعری از مهدی اخوان ثالث، شاعر نو پرداز کشورمان – از تیم‌های باشگاهی فرانسه

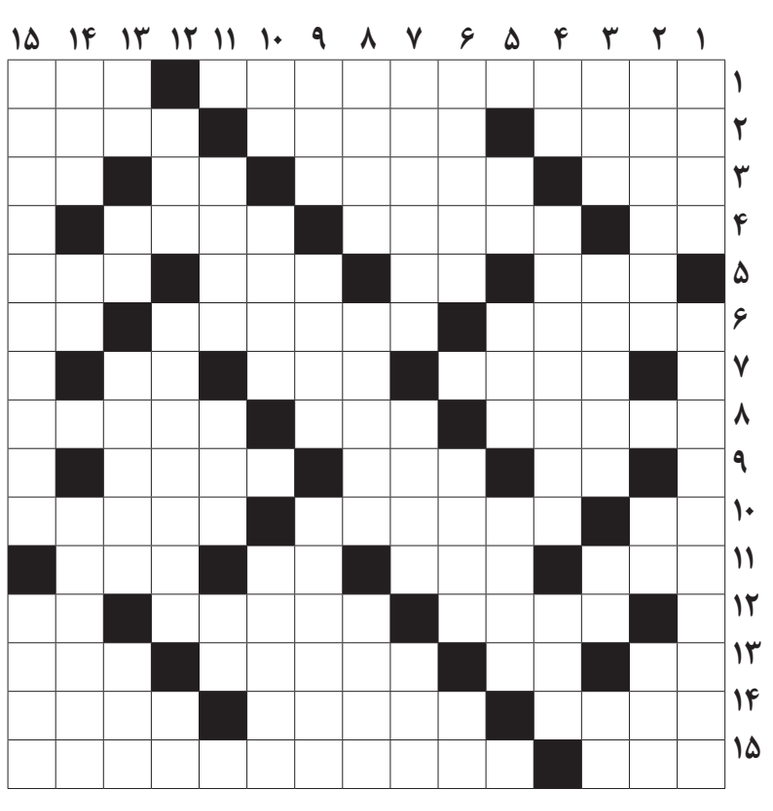

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۶			۴				۳	۸
							۶	
۷	۹			۸				
								۳
				۹	۳			
۳								
۹					۸		۵	
۱	۵	۲	۹				۸	۶
			۱	۳				۷

جدول کلمات متقاطع
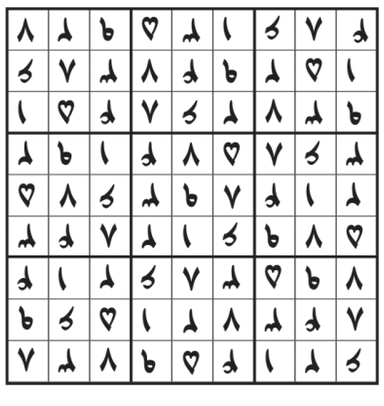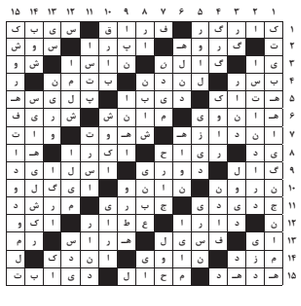
پاسخ جدول شماره ۴۲۲۰